کبطال را در میان ایشان راه نباشد که یک مرد بیکار صد مرد در کار را از کار باز دارد

شعر عدو البلید لما یجلید سریعة والجمر یوضع فی الرماد فیخمد وهم وی فرموده

کی باید که در ویشان جهد نمایند تا در وقت لقمه خوردن نیک حاضر باشند که

تخم اعمال در زمین قالب انسان لقمه است چون بغفلت تخم اندازند ممکن نیست

که هرگز جمعیت خاطر حاصل شود اگرچه لقمه حلال باشد و هم وی فرموده که حکیم

ترمذی و جماعتی از مغاربه گفته اند که بدایة الاولیاء نهایة الانبیاء روزی در

بغداد در خدمت شیخ بودیم فرمودند که آنجماعتی که گفته اند بدایة الاولیاء نهایة الانبیاء

آنرا عذری هست و ایشان از آن سخن این خواسته اند که بدایة الاولیاء نهایة الانبیاء فی

الشریعة و نهایة الاولیاء بدایة الانبیاء فی الطریقة زیرا که چون کمال شریعت در آخر کار

نبی تمام شد که الیوم اکملت لکم دینکم و ولی تا شریعت بکمال فرا نگیرد قدم در ولایت

نتواند نهاد پس آنچه نبی را در شرایع با نهایت کار باشد ولی را با بدایت باشد زیرا که اگر

کسی را بآن احکام که در مکه نازل شد و با حکامی که در آخر عمر در مدینه نازل

شد التفات نماید هرگز بولایت نرسد بلکه اگر انکار کند کافر گردد پس ابتدای

ولایت آنست که همه شرایع را قبول کند و متابعت نماید تا در طریقت آنست که هر چند

ولی سعی کند و مرتبه او عالی شود روح او را آن نوع معراجی که جسم نبی را بود حاصل نشود

و محال بود که شود پس چون در انتها ولایت روح ولی مشابهت می یابد بجسم نبی

در طریقت نهایة الاولیاء بدایة الانبیاء باشد رحمه وی فرموده انبیا علیهم السلام

یعنی بدایة و بنیاد کار اولیا نهایت کار انبیاست و این اجاراست از توجیهی زیرا که ظاهر این کلام صحیح می نماید و میگوید شیخ نور الدین عبد الرحمن فرمودند که اوتی عبارت این خواست اند که بنیاد کار اولیا نهایت کار انبیاست در شریعت زیرا که تا شریعت بنهایت که نهایت کار انبیاست بجای آورده نشود صحن قدم در دایره ولایت نتواند نهاد در نهایت سیر معنوی اولیا بدایت سیر معنوی انبیاست چنانچه نهایت عروج روح کوئی بعروج جسم نمی رسد نیکند که بعروج روح وی رسیده

از اشتباه گناه عمد معصوم اند و اولیا از خار داشت گناه محفوظ و از مصطفی صلی الله

علیه وسلم مزید شان تغفر اللهم فاغفر جما وای عبد لك لا الله و نزد بدایان

بیچاره هیچ کناهی بتر از آن نیست که بنده خود را بحرمه و مقصر داند اخی علی مصری

وی شیخی بوده در ملک شام و روم و مریدان بسیار نزد وی جمع آمده اما چون نزد

مصنف بود جمع مریدان خود را که مستعد بودند با ایشان گفت اگر شما طالب حقید

من نیز طالبم و مرشدی نیافته ام که پیش او سلوک کرد می اکنون در واقعه دیده ام

و در شهادت نیز می شنوم که در خراسان مرشدیست مکمل بخرید

تا برویم و او را دریابیم و در خدمت مرشدی روزی چند سلوک کنیم و از آنچه

خلق بما کمان می برند چیزی حاصل کنیم القصه بنابرین قضیه آمده بود و در حلقه

مریدان شیخ داخل شده با جمع از اصحاب خود شیخ فرمود که ارادت ایشان بتو بعد از

ارادت منست و وساطت تو در میان ایشان را سود کند چون نزدیک من میان شیخ

و مصطفی صلی الله علیه وسلم هر چند خرقه بیشتر راه روشن تر و سلوک آسان

تر است بخلاف اسناد حدیث که آنجا هر چند واسطه بیشتر بود راه روشن تر بود و مدد

ایشان بیشتر بود روزی حکایت منصور حلاج در افتاد اخی علی مصری از حال او

استفسار کرد حضرت شیخ بعد از آنکه در باب وی سخنان بسیار فرمودند گفتند دیدان

وقت که مرا حال که بود بزیارت وی رفتم چون مرا فیه کردم روح او را در علیین

یافتم در مقام عالی مناجات کردم و گفتم خداوندا این چه حالت است که فرعون

یعنی شیخ در کن فالقوه علی وجه ابیه

Copyright © King Saud University